



ORIGINAL RESEARCH PAPER

Designing and explaining the education system of Sadraei school

Azam Sadat. Pishbin¹, Arezoo. Ahmadabadi^{*2}¹ Department of Philosophy and Logics Education, Farhangian University, P.O. Box 14665-889, Tehran, Iran.² Department of Educational Administration, Farhangian University, P.O. Box 14665-889, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Keywords

Model
school
educational system
Sadrai school

¹ .Corresponding author
✉ ahmadabadi@cfu.ac.ir

Received: 2024/06/06

Reviewed: 2024/08/02

Accepted: 2024/10/07

Published online: 2025/07/14



Background and Objectives: One of the basic supports in the discussion of human sciences are the ideas and views of thinkers and great philosophers. Among the philosophical opinions, transcendental wisdom plays a prominent role because it deeply deals with the knowledge of God, man and existence, which can be considered as original educational implications from its intellectual and philosophical foundations for the education system in general and the structure School education was specifically extracted. **Methods:** Therefore, the current research is practical and its purpose is to design a school education system model based on Mullah Sadra's philosophical thoughts and opinions. To achieve the goal of the research, a qualitative-documentary approach and inductive content analysis and inference methods were used. The desired community was made up of all the documents and documents related to Mullah Sadra's philosophical keywords and educational sciences in scientific databases and related scientific-research and publishing sites and reference department public libraries, which was obtained with the initial exploratory investigations of 51 documents were found. It was reduced to 20 documents through targeted sampling. Finally, 171 subcategories were placed under 15 intermediate categories. **Findings:** Intermediate categories in eight main categories, namely Sadrai learner, Sadrai teacher, Sadrai goal, Sadrai curriculum and subjects, Sadrai teaching method, Sadrai learning, Sadrai educational management and Sadrai educational leader, which has a unique and innovative aspect in this school; were categorized. To measure reliability, the Holstein coefficient (89%) was used. **Conclusion:** The results showed that the model of Sadra'i school seeks to cultivate reason and wisdom in the teachers in order to lead them towards the unity of existence and to reach the high level of revelation which is known as Hayat Tayyaba in the fundamental transformation document.

<https://pma.cfu.ac.ir>
DOI: [10.48310/pma.2024.16413.4449](https://doi.org/10.48310/pma.2024.16413.4449)

Citation (APA): Pishbin, A. S. and Ahmadabadi, A. (2025). Designing and explaining the education system of Sadraei school. *Educational and Scholastic studies*, 14 (2), 107 - 129 .

 <https://doi.org/10.48310/pma.2024.16413.4449>



طراحی و تبیین نظام آموزش مدرسه صدرایی

مقاله پژوهشی / مروری

اعظم سادات پیش‌بین^۱، آرزو احمدآبادی^{۲*}

۱. استادیار گروه آموزش فلسفه و منطق، دانشگاه فرهنگیان، کدپستی ۱۸۱۹-۴۶۶۵ تهران، ایران.

۲. استادیار گروه مدیریت آموزشی، دانشگاه فرهنگیان، کدپستی ۱۸۱۹-۴۶۶۵ تهران، ایران.

چکیده

از پشته‌های اساسی در بحث علوم انسانی، نظریات و دیدگاه‌های اندیشمندان و بزرگان فلاسفه است. در بین آرای فلسفی، حکمت متعالیه نقش پررنگی دارد چرا که ژرف‌گونه به شناخت خدا، انسان و هستی پرداخته است که می‌توان دلالت‌های تربیتی اصیل از مبانی فکری و فلسفی آن برای نظام تعلیم و تربیت به طور عام و ساختار آموزش مدرسه‌ای به طور خاص استخراج نمود. از این رو پژوهش حاضر کاربردی و هدف آن طراحی الگوی نظام آموزش مدرسه‌ای بر مبنای اندیشه‌ها و آرای فلسفی ملاصدرا است. برای رسیدن به هدف پژوهش از رویکرد کیفی-اسنادی و روش استنتاج و تحلیل محتوای استقرایی استفاده شد. جامعه مورد نظر را کلیه اسناد و مدارک مرتبط با کلیدواژگان فلسفی ملاصدرا و علوم تربیتی در پایگاه‌های علمی و سایت‌های مرتبط علمی-پژوهشی و انتشاراتی و کتابخانه‌های عمومی بخش مرجع تشکیل داد؛ که با بررسی‌های اکتشافی اولیه تعداد ۵۱ سند به دست آمد که از طریق نمونه‌گیری هدفمند به ۲۰ سند تقلیل یافت. در نهایت، ۱۷۱ خرده‌مقوله در زیر ۱۵ مقوله میانی جایابی شدند. سپس، مقولات میانی در هشت مقوله اصلی به نام‌های متعلم صدرایی، معلم صدرایی، هدف صدرایی، برنامه و موضوعات درسی صدرایی، روش تدریس صدرایی، یادگیری صدرایی، مدیریت آموزشی صدرایی و رهبر آموزشی صدرایی دسته‌بندی شدند. برای سنجش پایایی، از ضریب هولستی (۸۹ درصد) بهره گرفته شد. در پایان به ارائه مدل مفهومی و بحث و نتیجه‌گیری پرداخته شد.

از دستگاه خود برای اسکن و خواندن مقاله به صورت آنلاین استفاده کنید.

واژه‌های کلیدی

الگو

مدرسه

مکتب صدرایی

نظام آموزشی

۱. نویسنده مسئول

ahmadabadi@cfu.ac.ir ✉

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۱۷

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۵/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۱۶

انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۴/۲۳

شماره صفحات: ۱۲۹-۱۰۷

DOI: [10.48310/pma.2024.16413.4449](https://doi.org/10.48310/pma.2024.16413.4449)

شاپا الکترونیکی: ۲۶۴۵-۸۰۹۸

COPYRIGHTS



©2025 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.

مقدمه

چند دهه‌ای است که در نظام رسمی آموزش و پرورش کشور ما به امر تربیت با نگاهی برابر با دیگر برنامه‌های آموزشی نگریسته شده است. حال آنکه این طرز تلقی جای تأمل و بررسی دارد؛ زیرا مخاطب تربیت، روح و جان دانش‌آموز است. در مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران؛ هدف اصلی؛ تربیت انسان الهی و برپایی جامعه دینی مبتنی بر معارف انسان‌ساز مکتب اسلام ذکر شده است. در تنظیم این سند به تربیت به عنوان حقیقتی نظام‌وار، یک پارچه، منسجم و متوازن نگریسته شده است و از طرفی بسیاری از آسیب‌های فعلی تعلیم و تربیت را به فقدان نگاه جامع متوجه می‌کند (Ministry of Education, 2011).

یکی دیگر از خلأهای اساسی در بیش از سه دهه اخیر، غلبه آموزش بر تربیت است؛ به عبارتی الگوی فعلی، نگاه تفکیکی و گسسته به فرایند تربیت دارد، در حالی که براساس نگاه توحیدی به زندگی انسان و هویت او، فرایند تربیت یک جریان پیوسته و درهم تنیده است و مفهوم تربیت، ترکیبی است جامع و یکپارچه متشکل از مفاهیم خردتری که هر یک در راستای تربیت رخ می‌دهد. لیکن این نگرش تفکیکی به این فرایند و گسست بین مفاهیم زیر مجموعه آن و واگذاری مسئولیت آن به بخش‌های مختلف موجب تشتت در فرایندها و سازوکارهای اجرایی شده و ناکارآمدی نظام تربیت رسمی و عمومی را به همراه آورده است. تجربه الگوی تربیت رسمی و عمومی در ایران نشان می‌دهد که این تفکیک مفهومی بین مفهوم‌های زیرمجموعه تربیت به غلبه‌ی عمل آموزش بر دیگر کارکردهای نظام منجر شده است (Ministry of Education, 2011). از دیگر ضعف‌های نظام تربیتی بی‌توجهی به امر تربیت است؛ زمانی که متخصصان به دنبال این سوال هستند که چرا بازده آموزشی در جامعه به خوبی عمل نکرده است، باید چرایی را در کلاس درس جستجو کنند (Naranji-Sani & Et al, 2024;57).

مطابق با منطق قرآن، ارسال رسل با هدف تربیت و اصلاح آدمی و رهنمون کردن وی به رشد، کمال و حیات طیبه است. از این رو همواره نقش معلم و جایگاه معلم در اندیشه اسلامی، والا و مقدس بوده است به طوری که از دانش‌آموز بدون معلم، همچون انسان بدون خدا و رهنمون شده به اهریمن یاد می‌شده و تلقی مسلمانان از معلم؛ تعلیم‌دهنده و هدایتگر بوده است (Dadgar & Et al, 2020).

معلم باید با مهارت‌هایی وارد کلاس شود تا بتواند دانش‌آموزانی را رشد و پرورش دهد که بر نفس خود مسلط بوده و آن‌ها را به سمت توانمندی بکشاند. ضعف تربیتی معلمان در کلاس درس از این رو است که نسبت به آن آگاه نیستند و تنها با این اندیشه که محتوای آن روز را به اتمام برسانند وارد کلاس می‌شوند؛ باید به معلمان آگاهی داد تا حساسیت مسئولیت اصلی خود را در کلاس درس دریابند و تنها نگرانی آنان برای دانش‌آموزان مسئله‌ی آموزشی نباشد. لاجرم تا زمانی که این مسئله شفاف و روشن نشود، این چرخه‌ی معیوب همچنان ادامه خواهد داشت و معلمان با ناآگاهی و ندانستن اینکه چه کاری باید انجام دهند، آن‌ها را در کلاس درس آشفته و سردرگم می‌کند و از این رو برای رفع تکلیف به آزمایش و خطا، پرسیدن از معلمان دیگر، آنچه که بنظرشان بهتر است و در آن زمینه تحقیق شده یا کتابچه‌ی راهنمای معلم، روی می‌آورند. اما زمانی که آگاهی یابند و مصادیق شفافی از آنچه که باید برای تربیت دانش‌آموزان خود انجام دهند در دست داشته باشند راهنمای آن‌ها در مسیر کاری خواهد بود. از طرفی مدیر و کادر اجرایی مدرسه نیز بیشتر درگیر امورات فنی و ساختاری هستند در حالی که وظیفه اصلی مدیر و به ویژه معاون آموزشی حرکت دادن معلمان به سمت تعلیم و تربیت با کیفیت بر مبنای آموزه‌های اسلامی است؛ اگر مدیر و معاونان این مهم را درک کنند، پیشرفت و تعالی علمی و تربیتی متعلمان و معلمان در آن مدرسه بیشتر خواهد شد.

باید دانست تربیت و علم؛ آن هم علم به معنای معرفتی و نه فقط برآمده از تجربه حسی، در خلق و نگهداری یک محیط یادگیری موثر، جدا از هم نیست و مهمتر اینکه تربیت با همراهی علم؛ نتیجه‌ی اخلاقی را در آینده‌ی نه چندان دور برای شخص، اجتماع و جامعه به همراه خواهد آورد. از این رو یکی از دغدغه‌های مهم نظام تعلیم و تربیت کشور پرورش افرادی در تراز معیارهای دینی است و برای این مهم؛ استفاده از مبانی فلسفی تعلیم و تربیت صدرایی کمک

شایانی برای نیل به این هدف متعالی است. این نکته قابل تأمل است که در نظام تعلیم و تربیت، نوع نگرش به هستی و انسان از اهمیت شایانی برخوردار است. اگر این نگرش مادی‌گرایانه باشد، اهداف و برنامه‌ها و روش‌های تربیتی به سوی ماده محوری سوق داده می‌شود و اگر نگرش معناگرایانه به هستی و انسان باشد، اهداف و برنامه‌ها و روش‌های تربیتی به سوی تعالی و تکامل معنوی پیش می‌رود. برای بحث و مطالعه در این باب باید به رویکردهایی که در مطالعات فلسفی وجود دارد پرداخت که از نگاه علم الهدی (Alam-Hoda, 2009; 29-30) حداقل سه رویکرد در مطالعات فلسفی تعلیم و تربیت بیشتر از همه مورد توجه است؛

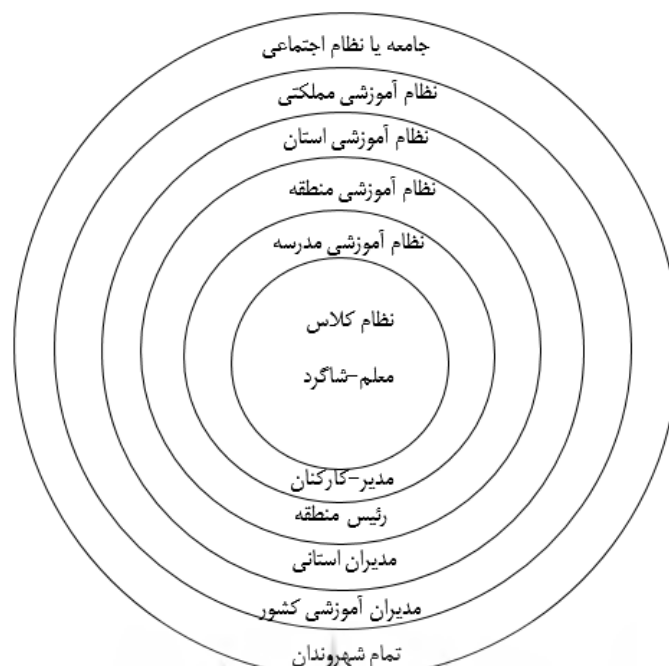
الف) گردآوری اندیشه و آراء فیلسوفان دربارهٔ تعلیم و تربیت: در این روش آرای فلسفی فیلسوفان جمع‌آوری می‌شود ولی سازگاری این نگرش تربیتی با اصول و مبانی فلسفی آنها ارزیابی نمی‌شود.

ب) استنباط دلالت‌های تربیتی یک مکتب فلسفی: در این روش اگرچه فیلسوف بطور مستقیم درباره مولفه‌های تربیتی و آموزشی سخن نگفته است ولی می‌توان از مبانی وی، آراء تربیتی را استنتاج کرد.

ج) بهره‌گیری از روش اندیشیدن فلسفی در مسائل تربیتی، فارغ از التزام به مبانی و اصول یک مکتب فلسفی یا بکارگیری روش‌شناسی فیلسوفانه در نظریه‌پردازی‌های تربیتی است.

روش پژوهشگران در پژوهش حاضر روش دوم است؛ اگرچه بیشتر فلاسفه اسلامی کتاب مستقلی در حوزه تعلیم و تربیت ندارند، ولی مباحث تعلیم و تربیت از مبانی فلسفی ایشان قابل کشف و استخراج است که از جمله این فلاسفه حکیم ملاصدرا شیرازی است. ملاصدرا پایه‌گذار حکمت متعالیه است این مکتب فلسفی که مبتنی بر تعالی‌جویی، حکمت‌طلبی و فضیلت‌جویی است با مبانی دینی و ارزش‌های ملی ما سازگاری دارد.

ذکر این نکته ضروری است که اگر مبانی فلسفی ملاصدرا در حوزه هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی مورد بازنگری و بازخوانی قرار گیرد؛ می‌توان مدلول‌های تربیتی متناسب با آن دیدگاه‌ها را استنباط و استخراج کرد و براساس آنها فلسفه تعلیم و تربیت نوینی مبتنی بر نگرش اسلامی پایه‌گذاری کرد و نظام آموزش و پرورش را براساس آن پیش برد. نظام در حیطه تعلیم و تربیت مصادیق متعددی دارد. گاهی یک کلاس درس مشتمل بر معلم، شاگردان، برنامه‌ها، مواد و وسایل را یک نظام آموزشی تلقی می‌کنند، گاهی یک مدرسه را همراه با تمام عوامل و عناصر تشکیل دهنده‌اش و گاهی نیز تمام دستگاه آموزش و پرورش یک کشور را یک نظام می‌خوانند. بررسی نظام‌های آموزشی در هر یک از سطوح مختلف میسر است (نگاه شود به شکل ۱) اما باید تعریفی برای نظام‌های آموزشی ارائه شود که مشخصات ویژه‌شان را بیان و آنها را از سایر نظام‌های مشابه متمایز کند. از این رو هدف پژوهش، طراحی الگوی نظام آموزش مدرسه‌ای براساس آموزه‌های مکتب صدرایی است و برای این هدف سوالی که مطرح است؛ چه عناصر، سبک رهبری و تدریسی برای رسیدن به یک مدرسه‌ی صدرایی وجود دارد؟ مقولات اصلی، میانی و خرده مقولات نظام آموزش مدرسه‌ی صدرایی کدام‌اند؟



شکل ۱- سطوح نظام‌های آموزشی (دوبونس و همکاران، ۱۹۷۹)

پیشینه پژوهش

برای درک مباحث آموزشی و تربیتی در مکتب صدرایی، ابتدا باید به بررسی پیشینه نظری و مبانی نظام فلسفی ملاصدرا پرداخت. این مبانی در سه حوزه هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی مطرح می‌شود در اینجا ذکر این نکته لازم است که ملاصدرا انسان‌شناسی خود را براساس مفهوم نفس استوار کرده است. بعد از بررسی مبانی فلسفی محض ملاصدرا؛ مفاهیم معلم، یادگیرنده، اهداف آموزشی، برنامه و موضوعات درسی، مدیریت بر آموزش، رهبری آموزشی، روش تدریس و یادگیری در علوم تربیتی تبیین شده؛ در نهایت به صورت تحلیلی با تکیه بر دو بعد ذکر شده از اندیشه صدرایی و عناصر علوم تربیتی، شاکله نظام آموزش مدرسه صدرایی استنتاج شد. در این میان برخی پژوهشگران همچون بهشتی (Beheshti, 2011) در پژوهشی با عنوان کاوش‌هایی در فلسفه تعلیم و تربیت بر مبنای شماری از دیدگاه‌های معرفت‌شناختی صدرالمآلهین به برخی از مدلول‌های تربیتی منتج از مبانی معرفت‌شناسی وی اشاره می‌کند و بر این عقیده است که اهداف و برنامه‌ها و اصول تربیتی صدرایی، رویکردی معناگرایانه دارد نه ماده‌گرایانه. از طرفی مرحبا، و همکاران (Marhaba & Et al, 2019) در پژوهشی با عنوان الگوی اسلامی- ایرانی تعلیم و تربیت با تکیه بر آرای تربیتی ملاصدرا پس از ذکر ویژگی‌های نظام تربیتی ملاصدرا همچون عقلانیت اساس تربیت انسان، اعتدالگرایی و انسان کامل به تبیین الگوی اسلامی- ایرانی تعلیم و تربیت می‌پردازد.

علم الهدی (Alam al-Hoda, 2009) براساس تربیت اسلامی و برنامه‌ریزی درسی در فلسفه ملاصدرا؛ به شرح مبانی فلسفی و آیات قرآن و استنباط اصول و دلالت‌های تربیتی از آنها می‌پردازد و پس از تبیین ماهیت تعلیم و تربیت اسلامی، به دلالت‌های آن برای برنامه درسی به صورت کلی اشاره می‌کند. بهشتی و همکاران (Beheshti, 2018) در پژوهشی با عنوان طراحی الگوی تدریس شناختی براساس حکمت صدرایی به تبیین این الگو در سه حوزه اهداف، مراحل و اصول و روابط می‌پردازد و به این نتیجه می‌رسند که معلم تلاش می‌کند با روش‌های مختلف زمینه یادگیری را فراهم کرده تا فراگیر ضمن تعامل شناختی با جهان، نظام ذهنی منسجم و پایداری را بسازد.

همان‌طور که اشاره شد وجه مشترک بیشتر این پژوهش‌ها در این است که به تبیین نظام تعلیم و تربیت صدرایی و پیامدهای تربیتی حاصل از مبانی فلسفی ملاصدرا می‌پردازد و البته در دو مورد اخیر به موارد آموزشی همچون برنامه

درسی و طراحی الگوی تدریس شناختی بصورت کلی اشاره می شود. اما وجه تمایز پژوهش حاضر در این است که علاوه بر پیامدهای تربیتی منتج از مبانی صدرایی به مقولات آموزشی در حوزه نظام مدرسه‌ی صدرایی اشاره می‌کند از جمله مدیریت بر آموزش و رهبری آموزشی به عنوان عناصر نو و بدیع مستخرج از فلسفه صدرایی نمود پیدا کرده است.

بخش اول: حکمت متعالیه

حکمت متعالیه نظامی فلسفی است که هم برطرف کننده مشکلات و ابهامات فلسفه‌های پیشین است و هم پاسخگوی بسیاری از مباحث نوین است. ملاصدرا که پایه‌گذار حکمت متعالیه است در فلسفه خویش از مباحث عقل و عرفان و شریعت بهره جسته؛ قبل از وی دو مکتب فلسفی اشراق و مشاء وجود داشته که روش رایج در حکمت مشایی بر استدلال و برهان و در حکمت اشراقی بر کشف شهود و عرفان بوده است. ملاصدرا با تلفیق میان این دو و نیز با بهره‌گیری از آیات قرآنی، پایه‌گذار مکتب فلسفی نوینی به نام حکمت متعالیه شد که علاوه بر تلفیق میان مکاتب فلسفی پیشین؛ از جامعیت میان برهان و عرفان و قرآن برخوردار است. اگرچه این حکمت از جایگاه و منزلت خاصی در فلسفه اسلامی برخوردار است ولی باید گفت که شکاف و فاصله‌ای میان مبانی آن با سایر رشته‌های علوم اسلامی (همچون فلسفه تعلیم و تربیت) که بخشی از بن‌مایه‌های معرفتی آنها وامدار مبانی فلسفه می باشد، وجود دارد. در ادامه مهمترین مبانی فلسفی صدرایی بیان شده است.

۱) مبانی هستی شناختی حکمت صدرایی

اصالت وجود، تشکیک در وجود و حرکت جوهری از مبانی مهم هستی‌شناسی صدرایی است که شرح آن به اختصار از این قرار است:

۱-۱. اصالت وجود

اصالت وجود یکی از شاخصه‌های اصلی فلسفه ملاصدرا و روح نظام فلسفی حکمت متعالیه است. ملاصدرا در بسیاری از مسائل فلسفی خویش از این اصل مهم بهره جسته است. به تعبیر دیگر ملاصدرا مبنای فلسفه خود را براساس اصالت وجود و سپس تشکیک در وجود قرار داده و پایه مسائل فلسفی خویش را روی آن استوار ساخته است.

طرح مسئله اصالت وجود اولین بار در زمان میرداماد و ملاصدرا به این طریق مطرح شد که آیا اصالت با وجود است یا ماهیت؟ ملاصدرا به تبع از استاد خویش ابتدا نظریه اصالت وجود را پذیرفت ولی بعدها با مخالفت با وی طرفدار نظریه اصالت وجود شد (Motahari, 1991; 59/9).

تحلیل ملاصدرا از اصالت وجود از این قرار است که؛ از آنجا که حقیقت هر پدیده‌ای عبارت است از خصوصیت وجودی که برای آن پدیده اثبات می‌کنیم، باید خود وجود برای حقیقت داشتن، اولویت داشته باشد چنانچه خود سفیدی به صفت سفید اولی‌تر و شایسته‌تر است از چیزی که با عروض سفیدی، مصداق صفت سفید قرار می‌گیرد. بنابراین وجود در هر پدیده‌ای خودش موجود است و ماهیت این پدیده‌ها که غیر از وجودشان است، خودشان موجود نیستند بلکه به وسیله وجودشان موجودند. در نتیجه آنچه واقعیت دارد، همین وجود است (Mulla Sadra, 1410; 38/1). به طور خلاصه نظریه ابتکاری ملاصدرا وجود هر پدیده در مقابل ماهیت آن پدیده را اصیل و صاحب اثر می‌داند.

۱-۲. تشکیک در وجود

برطبق اصالت وجود، حقیقت وجود یک حقیقت واحد مشکک است به این معنا که هستی یک حقیقت دارای مراتب است که این مراتب در شدت و ضعف، تقدم و تاخر، کمال و نقص، غنا و فقر با هم تمایز دارند به نحوی که تمایز بین این مراتب، به خود وجود می‌باشد. به تعبیری مابه الامتیاز عین مابه الاشتراک است و برعکس (Mulla Sadra, 1410; 431-432/1; 99/2). به تعبیر دیگر وجود دارای درجات و مراتب متفاوتی است که همگی در وجود بودن مشترک هستند و تفاوت آنها در شدت و ضعف وجود است به عنوان مثال وجود علت نسبت به وجود معلول از شدت و قوت

بیشتری برخوردار است. وجود را مانند نور خورشید می‌توان تشبیه کرد. نور خورشید حقیقت واحدی است که دارای درجات متعدد می‌باشد. همه این درجات در ضمن اینکه در اصل نور بودن مشترک هستند ولی در عین حال تفاوت‌هایی در شدت و ضعیف بودن نور دارند. بنابراین هم وجه تمایز و هم وجه اشتراک آنها به نور است.

۱-۳. حرکت جوهری

حرکت جوهری که از ابتکارات و نوآوری‌های ملاصدرا می‌باشد به این معناست که تمام جواهر حسی از آن جهت که حسی هستند و نیز تمام اعراض آنها دائماً در حال حدوث و تجدد می‌باشند. ملاصدرا حرکت جوهری را نحوه وجود شیء تدریجی الوجود می‌داند (Mulla Sadra, 1410; 4/4) به عقیده وی حرکت یک امر عقلی و انتزاعی بوده که منشأ آن موجود خارجی است که وجودش به صورت تدریجی از قوه به فعل خارج می‌شود. (Mulla Sadra, 1410; 7/284) وی تصریح می‌کند که اگر طبیعت در ذات خود سیلان و تجدد نداشته باشد، صدور حرکت از آن ممکن نیست زیرا صدور متغیر از ثابت محال است.

۲) مبانی انسان‌شناسی حکمت صدرایی

ملاصدرا هم‌چون بیشتر فلاسفه در تعریف نفس می‌گوید "نفس، کمال اول برای جسم طبیعی آلی" است (Mulla Sadra, 1410; 16/8). در این تعریف مقصود از کمال، چیزی است که با پیوستن به شیئی ناقص، آن را کامل می‌کند، نفس، کمال اول است. زیرا با تعلق به بدن انسان و حیوان و جسم گیاه، نوع جدیدی از جسم پدید می‌آید و این‌گونه نیست جسمی که به حد نوعیت رسیده و از نظر ذات و ماهیت کامل شده است، صرفاً تکامل عرضی پیدا کند (Abudiyat, 2012; 75-74/3). ملاصدرا نفس انسان را مثالی برای ذات حق تعالی دانسته و بر این عقیده است؛ همانگونه که حق تعالی خالق موجودات مادی و مجرد است، نفس انسان هم از آنجایی که مثال حق تعالی است، دارای ذات مجرد و صفات کمالی و مملکتی شبیه به مملکت حق تعالی می‌باشد که در مملکت خویش هر آنچه که بخواهد اراده و ایجاد می‌کند (Mulla-Sadra, 1410; 1/314-315) از نظر ملاصدرا نفس از سنخ ملکوت است و اگر خود را به اخلاق الهی آراسته و به مبادی ملکوتی و لاهوتی شبیه کند، توان انجام کاری را دارد که این مبادی انجام می‌دهد. چنانچه آهن گداخته کار آتش را انجام می‌دهد و همان اوصاف را دارد (Mulla Sadra, 1984; 2/756).

۲-۱. نفس، جوهری مجرد است

مدعا این است که نفس جوهر است. براهین متعددی جوهریت نفس را اثبات می‌کنند. مشهورترین این براهین، براهینی است که مبتنی بر تقویم بدن به نفس است که این براهان مبتنی بر دو مقدمه می‌باشد: (۱) نفس، مقوم جوهری جسمانی مانند بدن است. (۲) مقوم جوهر، جوهر است. بنابراین نفس جوهر است (Tabatabai, 1417, 134).

برای تجرد نفس نیز ملاصدرا دلایل متعددی اقامه کرده است که البته بیشتر این براهین توسط فیلسوفان گذشته ذکر شده است. در یکی از این دلایل با تکیه بر تجرد قوای ادراکی، تجرد نفس ثابت می‌شود. توضیح این که از آنجایی که مدرک حقیقی تمام ادراکات، نفس است و قوای ادراکی به منزله آلات و ابزار نفس می‌باشند، در این صورت مدرک از سه حالت خارج نیست: (۱) یا از سنخ اجسام است. (۲) یا صورت و عرض است که در محل جسمانی حلول کرده است. (۳) یا موجود مجردی است که نحوه‌ای تعلق به ماده دارد. و با ابطال دو فرض اول، فرض سوم مبنی بر اینکه نفس مجرد است، اثبات می‌شود (Mulla Sadra, 1410; 8/300-302).

۲-۲. نفس جسمانی‌ه‌الحدوث و روحانی‌ه‌البقاء است

ملاصدرا با نظریه جسمانی‌ه‌الحدوث و روحانی‌ه‌البقاء بودن نفس بر این عقیده است که نفس امری مادی بوده و با حرکت جوهری اشتدادی به استکمال جوهری و تجرد می‌رسد (Mulla Sadra, 1410; 8/34-35).

به تعبیر دیگر نفس انسانی برای حدوث خود به ماده احتیاج دارد و ذات نفس با ماده، اتحاد وجودی دارد و اتحاد آن به گونه‌ای است که یک نوع ترفع را در ماده ایجاد می‌کند و دلیل آن این است که نفس (در مقام ذات) حظی ولو اندک، از ملکوت و تجرد را دارد (Mulla Sadra, 1410; 8/16). به طور کلی در نظام صدرایی نفس، در ابتدای حدوث، جوهری مادی و جسمانی است که به تدریج استکمال یافته تا این که وجود مفارق عقلی شده و از بدن و ماده، بی‌نیاز می‌گردد. نیاز نفس به ماده و بدن در ابتدای حدوث همچون نیاز طفل به رحم مادر است که پس از سیر مراتب تکاملی، از آن بی‌نیاز می‌شود (Mulla Sadra, 1410; 8/393).

۲-۳. حرکت جوهری اشتدادی در نفس انسان

یکی از مبانی مهم که اساس تکامل ذاتی نفس به‌شمار می‌رود، حرکت جوهری می‌باشد. صدرا تحولات و مدارج نفس را به دو دسته تقسیم می‌کند. اول: تحولات و مدارج پیشینی که شامل جمادیت و نباتیت و حیوانیت می‌باشد. دوم: تحولات پسینی که تحول نفس به عقل منفعل و عقل بالفعل و عقل فعال و فراتر از آن است (Mulla Sadra, 1410; 8/378). به تعبیر دیگر نشئه‌هایی که نفس انسانی در طی حرکت جوهری آن‌ها را پشت سر می‌نهد تا به مرحله نفس انسانی برسد، نشئه‌های جمادی و نباتی و حیوانی‌اند و نشئه‌هایی که پس از رسیدن به این مرحله طی می‌کند، نشئه‌های عقل بالقوه و عقل بالملکه و عقل بالفعل و عقل فعال و فراتر از آن هستند. حرکت جوهری اشتدادی نفس به طریق لبس بعد از لبس است، یعنی نفس، واقعیت جوهری ممتدی است که اجزاء فرضی آن به‌نحو پیوسته و متصل یکی پس از دیگری حادث می‌شوند، به گونه‌ای جزء حادث، کامل‌تر از جزء قبلی بوده و افزون بر آثار مرتبه قبلی، آثار جدیدی را نیز داراست و نسبت به آن مرتبه، درجه وجودی برتری دارد. این تغییر و استکمال، نه به صورت منقطع بلکه به نحو سیورت و دگرگونی رخ می‌دهد (Mulla Sadra, 1410; 3/329-328).

وی در فلسفه وجودی خویش که مبتنی بر اصالت وجود است، کمال نفس را براساس حرکت جوهری اشتدادی، در شدت وجود آن می‌داند. مراتب تکاملی نفس از دو حیث قابل بررسی است: حیث نخست، قوت و شدت وجودی نفس است که قابلیت رسیدن به تمام مراتب امکانی وجود را دارد. حیثیت دیگر، مراتب تکاملی مدرکات نفس است؛ یعنی هرچه شدت وجود نفس و قوای ادراکی آن بیشتر شود و از مادیات فاصله بیشتری بگیرد، ادراکات نیز شدیدتر می‌شود (Mulla Sadra, 1410; 9/196) و قادر به درک مدرکات ناب‌تری خواهد بود و هرچه مدرکات وی قوی‌تر و شدیدتر باشد مرتبه تکاملی آن عالی‌تر خواهد بود (Mulla Sadra, 2003; 296). نفس از حیث مدرکات نیز دارای سه مرتبه حسی، خیالی و عقلانی است که این مراتب، بر اساس ادراک مخلوقات در عوالم سه‌گانه طبیعت، مثال و مجردات می‌باشد. درواقع نفس ناطقه انسان در ابتدا، دارای نازل‌ترین مرتبه ادراک عقلی است که با ادامه حرکت جوهری اشتدادی و رفع حجابهای جسمانی، مراحل دیگری حادث می‌شوند که از نظر وجودی، برتر و قوی‌تر بوده و تجرد عقلی بالاتری دارند تا جایی که نفس به غایت نهایی خویش که همان عقل مستفاد است، نائل می‌شود (Mulla Sadra, 1996; 88). Mulla Sadra, 1410; 8/330; Sadra, 1982; 232-235.

۳. مبانی معرفت شناختی حکمت متعالیه

معرفت شناسی که با مفاهیم کلی و بنیادین سروکار دارد با روش‌های تدریس و یادگیری در نظام آموزشی رابطه نزدیکی دارد. مبانی معرفت شناسی ملاصدرا به دلیل نگاه وجودی به علم و فرایند ادراک، متفاوت با سایر فلاسفه است که در ادامه بطور مختصر تشریح خواهد شد.

۳-۱. وجودی بودن علم از منظر ملاصدرا

درک حقیقت و چیستی علم، امری پیچیده و دشوار است، به همین خاطر است که فیلسوفان نظرات مختلفی درباره چیستی علم ارائه داده‌اند. نظریه رایج در مورد علم دیدگاه ملاصدرا و ابن سینا می‌باشد. ابن سینا علم را صورت حاصل در ذهن می‌داند (Ibn Sina, 1996; 2/308). ملاصدرا علم را حقیقتی وجودی و از نوع وجود بالفعل می‌داند (Mulla Sadra, 1410; 3/297).

براساس نگرش صدرایی، علم صورت حاصل در ذهن و به تعبیری از مقوله کیف نیست، زیرا بین وجود فی‌نفسه این صور ذهنی و وجود آن‌ها برای نفس، تمایزی نیست (Mulla Sadra, 1410; 6/151) و وجود فی‌نفسه آن‌ها همان وجود و ظهور آن‌ها برای نفس است و غیر از ظهور صور علمیه برای نفس امر زائد دیگری موجود نیست (Hassanzadeh Amli, 1990; 293). در واقع صور علمیه اشراق نفس است و مراد از نسبت اشراقی این است که این صور از اشراق نفس حاصل می‌شوند. خلاصه این که اگر نسبت اشراقی لحاظ شود علم از سنخ وجود است (Hassanzadeh Amli, 1990; 293-295).

۳-۲. ارتباط علم با کمال نفس (حرکت در مسیر معقول به محسوس)

ملاصدرا به‌صراحت می‌گوید علم چیزی است که انسان با آن کمال می‌یابد که این کمال حد یقفی ندارد (Mulla Sadra, 2006; 2/8). چنانچه اشاره شد از نظر ملاصدرا علم، کیف نفسانی عارض بر نفس نیست، زیرا در این صورت نفس عالم و جاهل در ذات یکسان بوده و تنها در اعراض، متفاوت خواهند بود (Mulla Sadra, 1996; 85-86).

نکته این است که در فلسفه صدرایی با تکیه بر وجودی بودن علم، تصویر تازه‌ای از تکامل و تعالی وجودی نفس ارائه می‌شود. از نظر وی علم، هویتی ماهوی و نفس انسان، هم‌چون لوحی سفید که علوم مختلف در آن ارتسام می‌یابند، نیست؛ بلکه علم هویتی وجودی دارد و با نفس متحد است، بنابر نظریه اتحاد عاقل و معقول ملاصدرا، اتحاد علم با نفس منجر به تحول و اشتداد وجودی نفس می‌شود. البته علم مراتب دارد و هر چه درجه وجودی معلوم شدیدتر باشد، نفس متعالی‌تر خواهد شد. بر این اساس حقایق مادی و حقایق معنوی اثر یکسان ندارند، چنان‌چه علم عادی که مربوط به معاش است با علم الهی که مربوط به معاد است، یکسان نیست و آثار متفاوت دارند. هر دو نوع علم باعث تحول و تکامل نفس می‌شوند ولی میزان و درجه تأثیر و تکامل متفاوت خواهد بود.

صدرا معتقد است علم، علاوه بر این که امری وجودی است و کمالی برای نفس محسوب می‌شود، منجر به تعالی آن نیز می‌شود، یعنی هر مرتبه‌ای از علم و ادراک مقدمه‌ای برای دستیابی به مراتب بالاتر علم و به تعبیر دیگر، عامل به فعلیت رساندن قوه دستیابی به مراحل بالاتر ادراک است. ملاصدرا با بازگشت علم و ادراک به وجود بر این عقیده است؛ نفس در حین فرایند ادراک، از مرتبه وجود حسی به مرتبه وجود خیالی و سپس به مرتبه وجود عقلی ارتقا می‌یابد (Mulla Sadra, 1410; 9/95).

نفس قابلیت و استعداد آن را دارد که این مراتب مختلف را یکی پس از دیگری طی نماید و از آخس مراتب به اشرف مراتب راه یابد. ملاصدرا نفس را در اولین مرتبه، انسان طبیعی و در دومین مرتبه، انسان نفسانی و در مرتبه سوم، انسان عقلانی می‌نامد (Mulla Sadra, 1410; 9/95-97).

۳-۳. اتحاد عاقل و معقول

به‌طور خلاصه می‌توان این‌گونه گفت که اتحاد عاقل و معقول به معنای یگانگی مدرک با مدرک است. که این اتحاد سبب استکمال و اشتداد وجودی نفس می‌شود. توضیح این که وقتی انسان به چیزی علم پیدا می‌کند نسبت این علم با نفس انسان به دوگونه قابل تصور است: الف) نسبت عرض با موضوع یعنی وقتی نفس عالم می‌شود به این معناست که نقوشی بر آن ثبت می‌شود. ب) نسبت صورت با ماده یعنی وقتی نفس عالم می‌شود به معنای "او شدن نفس" است. قائلین به اتحاد عاقل و معقول هم‌چون ملاصدرا تصریح می‌کنند وقتی نفس تعقل می‌کند، این‌طور نیست که "دارای این معلوم" می‌شود بلکه "او" می‌شود. چنان‌چه وقتی گفته می‌شود نطفه انسان شد، در این حالت چنین نیست که دوگانگی بین نطفه و انسان باشد به این معنا که نطفه‌ای وجود داشته باشد و انسانیتی، که انسانیت عارض بر نطفه شده باشد بلکه همان نطفه تبدیل به انسان شده است. اتحاد عالم و معلوم، به این معناست که وقتی نفس علم پیدا می‌کند با علم خودش متحد می‌شود و نفس با هر عالم شدنی صیورورت می‌یابد. همان‌طور که ماده در خارج تحول و تکامل می‌یابد و با هر صورت چیز دیگری می‌شود. به عنوان مثال عالم شدن نفس نظیر رجل شدن کودک است که یک نوع صیورورت و دگرگونی و تکامل است (Motahari, 1999; 9/330-332).

در فلسفه صدرایی نفس انسان قبل از کسب علم، امری جسمانی که با اولین ادراک، از قوه به فعلیت خارج و به سمت تجرد حرکت می‌کند. هر انسانی با شروع تجرد آن که توسط علم و ادراک می‌باشد، از دیگر انسان‌ها متمایز شده و پیوسته با علمی که عین وجود و متحد با اوست، تغذیه کرده و تکامل می‌یابد و مراحل تجرد را یکی پس از دیگری طی می‌کند تا این که در مرتبه تجرد عقلانی، به ادراک معقولات نائل می‌شود و در این زمان، عقلی مفارق و مبری از جسم و جسمانیت می‌شود (Mulla Sadra, 1410; 8/245).

وجود اخس و ناقص نفس در فرایند ادراک از طریق سیر طولی در مراتب هستی (حسی و خیالی و عقلی) به وجود اعلی و اشرف تبدیل می‌شود. در جریان ادراک چنین نیست که نفس، امری ثابت و در یک مرتبه وجودی باشد و مدرکات از مرتبه حس، به مرتبه خیال و سپس به مرتبه عقل انتقال یابند؛ بلکه امر بالعکس است (Mulla Sadra, 1996; 74-75).

بخش دوم: تعلیم و تربیت صدرایی

قبل از پاسخ به این پرسش که چه دلالت‌های تربیتی برای عناصر آموزش و پرورش از نظام فلسفی ملاصدرا می‌توان در نظر گرفت؟ باید عناصر مرتبط و عام برای ایجاد یک نظام آموزش مدرسه‌ای را دانست که از کلیات و تئوریک بودن آن به سمت جزئیات و کاربردی شدن، حرکت کند؛ در ابتدا هدف را باید شناخت زیرا برای تدوین برنامه‌ریزی‌ها، ماموریت‌ها و راهبردهای هر نظام آموزش و پرورش لازم و ضروری است.

دوم برنامه و موضوعات درسی است چرا که معیارهای گزینش دانش در این عنصر قرار می‌گیرد که با طراحی، تدوین، اجرا و ارزشیابی می‌توان آن را به منصف ظهور گذاشت. در همین راستا به نظر می‌رسد با توجه به اذعان معلمان، دانش‌آموزان و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت؛ برنامه‌ها و موضوعات درسی چندان نتوانسته خلأ تئوری و عمل را در مباحث درسی و به ویژه اخلاقیات برطرف کند و لیکن با تفکر و ژرف اندیشی در آرای فلسفی ملاصدرا می‌توان به گنجینه‌ی عظیمی از معارف و حقایق دست یافت که می‌تواند احیاگر تمدن نوین اسلامی باشد.

سوم روش تدریس و یادگیری است؛ برای سازماندهی به یادگیری لاجرم باید از دانش روش تدریس و نحوه آموزش دانش محتوایی در موقعیت‌های متنوع آگاهی داشت. چهارم؛ مدیریت بر آموزش است که به دنبال تغییر مطلوب رفتاری در فراگیران از طریق هدف‌گذاری، شناسایی، برنامه‌ریزی محتوا، روش تدریس و بهینه‌سازی بین عوامل انسانی و مادی است تا دانش و نگرش و مهارت ژرف ایجاد کند (Karimiyan & et al, 2018; Behrangi, 2007).

پنجم رهبری آموزشی است که به دنبال تحول در اندیشه، تفکرورزی، استدلال، پرسشگری، توانایی درک و تأمل بر مسائل پیرامون محیطی و تمیز نمود از غیرنمود با ارائه دلیل و مستند و از روی تعقل است؛ تا ذی نفعان درون و برون مدرسه را به سمت تعالی و کمال رشد دهد (Ahmadabadi & Asadi, 2023; Behrangi, 1993). خلا این بُعد در سایر پژوهش‌های فلسفی به خوبی دیده می‌شود. ششم معلم است؛ به عنوان عنصر اجرایی‌سازی فرایند تربیت در نظام آموزشی که مسئولیت ایجاد انگیزه و اشتیاق را برای یادگیرندگان داراست و نهایتاً آخرین عنصر نظام مدرسه‌ای که تمامی عناصر قبل در خدمت آن می‌باشند یادگیرنده است. لازم است معلم قبل از اینکه وارد عمل آموزشی و یادگیری برای شاگردان شود؛ از پرورش شروع کند. معلمان اگر روی پرورش تأکید ورزند؛ می‌توانند دانش‌آموزان را به سمت خودیادگیری و افزایش مهارت‌های آموزشی و به ویژه بالا بردن اخلاقیات در آنها؛ هدایت کنند (Ahmadabadi, 2021; Ahmadabadi & et al, 2022).

بعد از شناخت عوامل فوق؛ با تلفیق دو بُعد علوم تربیتی و فلسفه صدرایی؛ استلزامات آموزشی و تربیتی صدرایی تشریح گردیده و در پایان الگوی نظام آموزش مدرسه‌ی صدرایی ترسیم شده است.

روش‌شناسی پژوهش

در پژوهش حاضر از روش استنتاجی و تحلیلی بهره گرفته شده و اطلاعات، از طریق بررسی اسناد، مدارک و کتاب‌ها به دست می‌آید. سپس اطلاعات به دست آمده به گونه‌ای سامان داده می‌شود که بتوان به پرسش پژوهشی به صورت

تحلیلی پاسخ داد (Sarmad & et al, 2023). همچنین با توجه به رویکرد پژوهش مبنی بر مبانی و آرای فلسفی ملاصدرا و استنباط دلالت‌های تربیتی از فلسفه او، از روش استنتاج نیز استفاده شده است. در این روش فرض بر آن است که هر نظام فلسفی، می‌تواند متضمن نظریه‌ای تربیتی باشد پس تجویزاتی برای تنظیم مناسب محیط‌های تربیتی فراهم می‌آورد (Bagheri & et al, 2010). در قسمت استنتاجی مباحث فلسفی ملاصدرا در علوم تربیتی منتج شد و اما به صورت تحلیلی؛ ابتدا پایگاه داده از کتب مختلف فلسفی ملاصدرا که مرجع اصلی نظرات و آرای او هستند استخراج و از طریق تحلیل محتوای استقرایی کدهای نهایی شکل گرفت. در واقع جامعه مورد نظر کلیه اسناد و مدارک مرتبط با کلیدواژگان فلسفی ملاصدرا و علوم تربیتی در پایگاه‌ها و سایت‌های مرتبط علمی-پژوهشی و انتشاراتی؛ گوگل اسکالر^۱ و آرشیوهای الکترونیکی مجلات و روزنامه‌ها و قسمت مرجع کتابخانه‌های عمومی، تشکیل داده است. در جمع‌آوری منابع در بررسی‌های اکتشافی اولیه پیرامون موضوع ۵۱ سند یافت شد. با توجه به اهمیت بحث فلسفی ملاصدرا از سالیان دور تا کنون و گستردگی مفهوم فلسفی و آرای تربیتی او دوره زمانی مد نظر از ۱۹۸۰ تا ۲۰۲۴ و به سال قمری از ۱۴۱۰ تا ۱۴۴۵ و به شمسی از ۱۳۶۸ تاکنون بوده است، سپس، در مرحله بعدی از طریق نمونه‌گیری هدفمند مبتنی بر ملاک مانند منابعی که مرجع هستند، دارای زبان فارسی و انگلیسی، مشخص‌بودن نویسنده سند، دارای ارتباط، پوشانندگی و اهداف غنی با موضوع پژوهش مد نظر بود به این صورت که پس از بررسی عناوین اسناد اولیه به دست آمده در مرحله اکتشافی، ۴۸ سند برای بررسی انتخاب شد. پس از بررسی چکیده و محتوای اسناد، تعداد ۳۷ سند انتخاب شد. با توجه به تأکید بر غنای پژوهش تعداد ۱۷ سند به دلیل نقصان اطلاعاتی و نامناسب‌بودن کیفیت مورد نظر مردود شد و در نهایت ۲۰ سند؛ کتاب (۱۴)، مقاله (۵)، گزارش (۱) انتخاب نهایی شد. سپس برای جمع‌آوری داده‌ها از منابع انتخابی؛ از فیش‌برداری به شکل تکی و موجی شکل به شیوه الکترونیکی استفاده شده است؛ تکنیک موجی شکل به جای فیش‌برداری از هر منبع، پس از مطالعه چندین منبع، پژوهشگر برداشت‌های نظری خود را یادداشت کرده و درباره آن تأمل می‌کند (Sadeghi-fasaee & Erfanmanesh, 2015). در پژوهش حاضر با جمع‌آوری داده‌ها از منابع انتخابی با ابزار فوق یک پایگاهی منسجم از اطلاعات برای تجزیه و تحلیل فراهم شد. شایان ذکر است قبل از شروع فیش‌برداری منابع چندین بار خوانده شده و پژوهشگر به درک کلی رسیده است؛ سپس با خواندن خط به خط جملات پایگاه اطلاعات و انجام مراحل کدگذاری براساس ادراک پژوهشگر از فرایند مورد بررسی در نهایت، در سه مرحله (مقوله اصلی، مقولات میانی و خرده‌مقولات) یافته‌ها استخراج شد. در جدول ۱ مقولات آمده است.

همچنین، به منظور تعیین اعتبار، از روش هولستی (توافق بین دوکدگذار^۲) استفاده شد. از این رو، در پژوهش حاضر از یکی از همکاران هیات علمی و آشنا به موضوع درخواست شد تا به عنوان کدگذار ثانویه در پژوهش مشارکت کند. برای این منظور، مطالب پایگاه اطلاعاتی در اختیار ایشان قرار گرفت و خواسته شد تا کدگذاری کنند. فرمول روش مذکور به صورت زیر است.

$$PAO = 2M \div (n_1 + n_2) \times 100 = (2 \times 145) \div (171 + 152) \times 100 = \%89$$

در این فرمول PAO ضریب پایایی، M تعداد توافق در دو مرحله کدگذاری، n_1 تعداد کدهای مرحله اول و n_2 تعداد کدهای مرحله دوم است. با توجه به فرمول فوق، پس از بررسی مستقل، میزان توافق به دست آمده ۸۹ درصد شد که با توجه به کیفی‌بودن پژوهش، می‌تواند شاخص مناسبی برای اطمینان از اعتبار تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی باشد. در نمودار ۲ عناصر نظام آموزش مدرسه‌ی صدرایی آمده است.

یافته‌ها

۱- هدف در مکتب صدرایی

نظام تربیتی ملاصدرا مبتنی بر حکمت و فضیلت و تعالی وجودی است که بر ارزش‌های جاودانه و عالم مافوق نگاه ویژه دارد؛ درحالی که در نظام تربیتی مبتنی بر غرب به دنیامداری و عملگرایی تأکید می‌شود. در مکتب صدرایی؛

1. Google Scholar.com

2. Inter Coder Reliability (ICR)

خدامحوری هدف اصلی تمام عالم است از نگاه ملاصدرا؛ آزادی؛ ذاتی انسان است و ویژگی اصلی او در وجود است؛ انسان هیچ حدی ندارد و امکان تطور در اطوار هستی و خروج از تمام آنچه در این عالم برای او مسلم شده را دارد. با توجه به این مسئله و همینطور تأکید بر عقلانیت که بالاترین درجه از مراتب وجود انسانی است؛ زمانی که انسان آزادی‌اش را با عقلانیت ممتزج می‌کند؛ هدفمند و خردمندانه است (Alam-alhoda, 2005; 123-124). لذا هدف آموزشی صدرایی با توجه به تمامی ابعاد وجودی انسان، خردمندانه است که او را انسان مومن مسئولیت پذیر در راه رسیدن به خداگونه شدن، پیش می‌برد. ملاصدرا با تناظر بین مراتب وجود و مراتب ادراک براین عقیده است که بالاترین مرتبه وجودی و نیز بالاترین مرتبه ادراک مربوط به ساحت عقلانی است و انسان با سیر در مراتب وجودی خویش و رشد و استكمال قوای حسی و خیالی و نیل به مرتبه عقلانی می‌تواند به بالاترین مرتبه ادراک یعنی ادراک عقلانی دست یابد و این همان سعادت عقلانی است که مورد تأکید ملاصدرا می‌باشد. بنابراین هدف حقیقی در تعلیم و تربیت صدرایی، بازگشت به مرتبه الهی انسان است. در حکمت صدرایی تربیت برای رساندن به سعادت است که علم، عدالت، پیشرفت، پویایی و نشاط را در سایه توحید برای جامعه به ارمغان آورد.

۲- برنامه و موضوعات درسی در مکتب صدرایی

طراحان برنامه درسی اهتمام ویژه بر این دارند که بالارزش ترین محتوا را برای متعلم جستجو کنند، محتوایی که متضمن عالیت‌ترین درجه حقیقت، زیبایی و خیر باشد. این مساله دارای ابعاد متافیزیکی، معرفت شناختی و ارزش شناختی است. فلاسفه و نظریه پردازان آموزش و پرورش به این پرسش پاسخ‌های متفاوتی داده اند و اختلاف نظرهای آنان، برنامه درسی متنوعی را به وجود آورده است (Gutek, 2007; 13). در مکتب صدرایی برنامه‌ی درسی مجموعه‌ی به هم پیوسته است که از موضوعات فکری تشکیل شده و تماماً جنبه خدایی و الهی دارد. به عبارتی یکپارچه نگری را در دل خود جای داده است؛ که همسو با اصل آزادی متربی، وحدت گرایی و همه جانبه‌نگری است. از آنجا که در جهت وحدت بخشیدن حرکت می‌کند هیچ جدایی بین بخش‌های مختلف در نظام تعلیم و تربیت معنا ندارد زیرا همه در جهت اتحاد و به هم پیوستگی در حرکت‌اند. در عین حال که ثبات دیده می‌شود انعطاف پذیری نیز دارد به ابعاد و مراتب وجودی انسانی توجه دارد و لازم می‌داند که برنامه درسی از ساده به سمت پیچیده حرکت کند تا نظم ذهنی در متربی شکل بگیرد و نسبت به جایگاه خودش در عالم هستی آگاهی پیدا کند. بر این اساس موضوعات درسی که در آرای فلسفی ملاصدرا دیده می‌شود تأکید و توجه خاص بر معارف الهی دارد. البته که ملاصدرا علم مادی را نیز در نظر گرفته و لیکن این علم باید نشأت گرفته از علم الهی باشد که متربی را به سمت کمال بکشانند. لذا تمام علوم الهی و مادی در موضوعات درسی صدرایی به چشم می‌خورد.

از طرفی در نظام صدرایی گزینش مواد درسی مبتنی بر تعالی وجودی متربی است. دلیل آن این است که در فلسفه صدرایی برخلاف فلسفه رایج، علم جنبه عرضی و وصفی نداشته و قیام علم به نفس قیام حصولی نیست. علم از سنخ هستی و وجود بوده که با نفس اتحاد وجودی می‌یابد و بر اثر حرکت جوهری، با فراگیری علم اشتداد وجودی در نفس حاصل می‌شود که نتیجه آن تکامل و تعالی وجودی خواهد بود. ذکر این نکته لازم است که در نظام آموزشی صدرایی، تعلیم و تربیت صرفاً مجموعه‌ای از برنامه‌های درسی تأثیرگذار بر ماهیت ثابت نفس انسانی نیست بلکه این برنامه‌ها تأثیرگذار بر هویت و وجود انسانها می‌باشند. به تعبیر ملاصدرا نفس جسمانیة الحدوث و روحانیة البقاء انسان، هویت ثابت و مقام معلومی ندارد بلکه در پرتو تعلیم و تربیت صحیح این قابلیت را دارد که از زیست حسی و حیوانی به عالی ترین مراتب هستی و والاترین حیات انسانی یعنی تجرد عقلانی دست یابد. از این رو جهت رسیدن به این اهداف، باید در گزینش مواد درسی دقت لازم را داشت.

از آنجایی که ملاصدرا نظام فلسفی خویش را براساس معرفت و حکمت قرار می‌دهد و برای آن اهمیت والایی قائل است، بنابراین لازم است در نظام تعلیم و تربیت صدرایی مواد درسی معرفت بنیان را گنجانند و از وارد کردن مواد درسی مظنون، موهوم و مشکوک خودداری کرد.

اگرچه نظام تعلیم و تربیت صدرایی مبتنی بر رویکرد معناگرایی است نه ماده گرایی ولی جامع‌نگری در علوم از دیگر ویژگی‌های نظام آموزشی صدرایی است. در این نظام ضمن توجه به علوم تجربی و شناخت ابعاد مختلف عالم طبیعت باید به این مهم توجه داشت که تربی از حصر در علوم تجربی در امان باشد و باید به شناخت سایر مراتب عالم پرداخته و از معرفتی کامل‌تر و جامع‌تر برخوردار باشد تا به ساحت‌های بالاتری از معرفت و آگاهی دست یابد. در نظام صدرایی، محسوسات معداتی برای کسب علم می‌باشند. به تعبیر دیگر محسوسات برای کسب علم لازم هستند ولی شرط کافی نیستند. اگر نظام تعلیم و تربیت مبتنی بر محسوسات صرف باشد تربی را از دستیابی به شناخت حقیقی محروم می‌سازد. با توجه به مراتب سه گانه در حکمت صدرایی باید گفت که نظام آموزش در ابتدا مبتنی بر مواد محسوس و قابل درک باشد و سپس آموزش مفاهیم انتزاعی در سیر فرایند تدریجی آموزش در دستور کار قرار گیرد.

از نظر ملاصدرا اگر علوم جدیدی که به متربیان آموزش داده می‌شود مرتبط با حقایق متعالی هستی و روح آدمی باشد، او را انسان‌تر می‌کند. به همین خاطر ملاصدرا همه علوم را در یک سطح از اهمیت و ارزش قرار نداده است و معارف فلسفی را که نهایتاً در خدمت خداشناسی و خودشناسی به کار آید را در صدر می‌نشانند.

۳- روش تدریس در مکتب صدرایی

نظام تعلیم و تربیت صدرایی باید به گونه‌ای طراحی شود که غایت آن صرفاً نیل به اهداف مادی براساس سیر آفاقی نباشد از این نظر روش‌های تدریس صدرایی باید به گونه‌ای باشد که زمینه خودشناسی و سیرانفسی را برای تربی فراهم آورد تا تربی با چشیدن و درک حضوری لذات معنوی به گونه‌ای خودجوش به سمت اهداف عقلانی و الهی حرکت کند.

همینطور براساس آرای فلسفی و اندیشه ملاصدرا و تأکید او بر عقلانیت، به نظر می‌رسد؛ به ذات‌گرایی در شناخت اهمیت می‌دهد و علم و شناخت نسبت به هر پدیده‌ای را حقیقتی وجودی می‌خواند. علم را فی‌ذاته با اهمیت و متحد با وجود انسان می‌داند. در نتیجه ذات یادگیرندگان را محور تلاش‌های آموزشی در همه موضوعات و برنامه‌درسی قرار می‌دهد. ملاصدرا معتقد است باید مراتب علم در انسان طی شود تا موانع و حجاب‌ها کنار زده شود و انسان به درک سعه‌ی وجودی نفس خود برسد و این چنین مسیر تکاملی را طی می‌کند. معلم در تدریس صدرایی در ابتدا باید روی محسوسات و عینیات تمرکز کند. مصادیقی چون قیاس، تشبیه، تمثیل، مَثَل و دیدن جزئیات امور و پدیده‌ها برای شاگرد به کار رود.

تأکید مکتب صدرایی بر آموزش؛ جرأت در بیان، بدون غرض‌ورزی و برای دستیابی به حقیقت محض است. معلم با روش تفحص گروهی، مکاشفه‌ی عقلانی و اجتماع یادگیرندگان به گرد هم مباحث علمی را مطرح و یادگیری را در بین فراگیران می‌چرخاند. روش تدریس معلم در نظام صدرایی این گونه است که مصادیق علمی و عینی را مطرح کرده و با قیاس و تمثیل و کمک گرفتن از حواس پنج‌گانه برای درک مطلب به شاگرد وارد عمل می‌شود و قوه تمیز او را تحریک و وارد دنیای مکاشفه و علم می‌کند. بعد از آن که فراگیران هر آنچه را براساس دیده‌ها و شنیده‌ها مطرح کردند، معلم وارد بُعد بعدی مکاشفه و ورود به دنیای خیال آن‌ها از طریق تشبیه، قیاس و جستجوگری ذهنی می‌شود؛ در دنیای خیالی هر آنچه قابل تصور است اما لزوماً دلیل بر درستی و صحت آن نیست بلکه پلی است برای عبور از محسوسات به سمت فراتر و رسیدن به انتزاع عقلانی در شاگردان. معلم در مکتب صدرایی چنین وظیفه‌ی خطیری در باز کردن جهان ذهنی به روی فراگیر دارد تا با درک حقایق وجودی خویش و کنه عالم هستی و رسیدن به مراتب و کمال انسانی در طی سال‌های تحصیلی خود مداومت ورزند و با انگیزه و علاقه به پیش روند.

۴- یادگیری در مکتب صدرایی

ملاصدرا برای یادگیری وجودی، ارزش قائل است؛ در نگرش صدرایی یادگیری موجب تحول در شخصیت انسان می‌شود. البته باید دانست منظور ملاصدرا هر یادگیری و علمی نیست؛ بلکه علمی که دارای قوت است و در نوع خود

اصلی، ناب و حقیقی است؛ از این رو سرمنشا علم را معارف الهی می‌داند. آنچه از معارف به نحو مطلوبی سرچشمه گرفته و برای مسیر تکامل انسانی وضع شده است که انسان با بهره‌گیری از آن، اندیشه‌اش در علم مادی هم نمایان می‌شود. در نتیجه از منظر ملاصدرا علم، انسان را به کمال می‌رساند و هر آنچه انسان در علم بیشتر غور کند، تحول نفس از قوه به فعل و به عبارتی تکامل نفس برای او اتفاق می‌افتد. برخلاف نظر جان لاک که بیان می‌کند؛ انسان در بدو تولد لوح سفیدی است که می‌توان هر آنچه یک معلم و یا هر کسی که بر او سروری دارد، در ذهن و جان او حک کند ولیکن در اندیشه ملاصدرا کاملاً این برعکس است او انسان را از همان بدو تولد دارای وجودی الهی و اندیشه متعالی و ذاتی پاک می‌داند که تنها به واسطه آمدن به این دنیا و هم آمیختگی با آن از اصل و ذات خود دور شده اما باید به او کمک شود تا هر آنچه بزرگ‌تر می‌شود با کنکاش در علم، تفکر و تعقل در امور و پدیده‌های عالم و هستی متوجه آن ذات توانا، اندیشه و علم الهی که از قبل آمدنش در این دنیا به او داده شده؛ بشود و در مسیر تکامل خود به آن سرچشمه زلال و ناب خواهد رسید.

در اندیشه ملاصدرا علم مراتبی دارد و انسانی که در طلب علم هر چه بیشتر قدم می‌گذارد از حقایق دریافت بیشتری می‌برد و نفس خود را متعالی‌تر می‌سازد. در فلسفه ملاصدرا علم مادی و علم الهی هر دو برای تکامل لازم دانسته شده ولیکن اثر یکسانی ندارد؛ انسانی که علم الهی را درک و دریافت کند؛ در علم مادی آن را به کار می‌گیرد در نتیجه به طور قطع به تحول و تکامل به سمت عقلانیت و وجود یکپارچه نزدیک‌تر است. تاکید اصلی ملاصدرا رسیدن انسان به آخرین درجه یعنی عقلانیت است؛ عقلانیتی که با ذات احدیت یکی شده و خارج از اراده او نیست.

۵- مدیریت آموزشی در مکتب صدرایی

مدیریت در نظام تعلیم و تربیت صدرایی به گونه‌ای است که به تمام جنبه‌ها و ابعاد وجودی انسان توجه دارد و برخلاف برخی از مکاتب، فقط به بعد مادی یا فقط به بعد روحانی انسان توجه ندارد بلکه به این نکته اهتمام دارد که انسان مرکب از جسم و روح است و بُعد اصلی انسان که همان روح است، حقیقتی جاودانه و منشأ الهی دارد. به نظر می‌رسد اندیشه صدرایی با هدف و رسالت مدیریت آموزشی یکی باشد؛ از این منظر که مدیریت آموزشی بر اندیشه و ذات‌گرایی در شناخت تمرکز دارد و صرف‌آرائه محتوا و پر کردن ذهن متعلمان را هدفی پوچ و بی‌حاصل برای نظام آموزشی قلمداد می‌کند که نتیجه‌ای در بر نخواهد داشت. اگر هدف از تعلیم و تعلم به دانش‌آموزان رساندن آن‌ها به شهروندان مطلوب و با اخلاق که خواستار کمال انسانی و طی نمودن مسیر تکامل وجودی خویش و همانا حیات طیبه باشد؛ لذا لازم است تغییری ژرف و بنیادین در نظام آموزشی ایجاد گردد و لازمه‌ی آن استفاده از اندیشه‌های ناب اندیشمندان اسلامی و به ویژه ملاصدرا که آرا و فلسفه او برگرفته از آموزه‌های شریعت و طریقت است. براساس اندیشه و فلسفه صدرایی اجرای مدیریت آموزشی در مدارس باید به نحوی باشد که علاوه بر دغدغه‌مندی از حیث ارتباط با خانواده‌ها و مباحث مادی و انسانی و محتوایی به سمت مباحث رهبری سوق داده شود.

۶- رهبر آموزشی صدرایی

باید دانست مدیران آموزشی صدرایی در حین انجام وظایف مدیریتی خود و هماهنگی با کادر مدرسه در عین حال یک رهبر باشند که ذی‌نفعان را به سمت تعالی سوق دهند از این رو به عنوان پرچمداران نظام آموزش مدرسه‌ای شناخته می‌شوند که باید ۱- انسان‌های تعالی‌یافته و با اندیشه‌های متعالی و متخلق به فضائل اخلاقی باشند. ۲- رهبران آموزشی صدرایی باید عدالت را به طور متوازن بین معلمان و شاگردان برقرار سازند. ۳- رهبران آموزشی صدرایی باید عزت و کرامت انسانی را ارج نهند و برای متعلم، معلم، اولیاء و سایر ذی‌نفعان ارج و قرب قائل باشند.

در مدیریت صدرایی به جایگاه ویژه انسان توجه خاص می‌شود. شأن و جایگاه انسان در این مکتب مصداق این حدیث معروف از حضرت علی (ع) می‌باشد که فرمودند: "و تحسب انک جرم صغیر و فیک انطوی العالم الاکبر" فکر می‌کنی که تو همین جرم کوچک هستی درحالی که جهانی در تو خلاصه شده است. نفس انسان با سیر در مراتب

هستی و رسیدن به درجه کمال به جایی می رسد که همچون جهان کوچکی می شود که کل نظام هستی در آن وجود دارد (Mulla Sadra, 1981; 36). ۴- رهبران آموزشی صدرایی به عنوان عامل وجودی حساس و حیاتی که نقش بسزایی در رساندن جامعه‌ی یادگیرندگان به کمال انسانی دارند باید ضمن آگاهی نسبت به نقش خطیر خود، به دنبال اجرای شایسته‌ی وظایف و مسئولیت‌های خویش و پاسخگو در قبال اجتماع و جامعه باشند. ۵- رهبر صدرایی به عنوان کسی که مراتب وجودی را از محسوسات به سمت عقلانیت طی کرده است و صفات کمالی را در خود پرورش داده، شناخته می‌شود. اهدافش همسو و متحد با هدف خدا بوده و در راستای تحقق کمال انسانی در مدرسه حرکت می‌کند. ۶- رهبر صدرایی هر لحظه و هر آن به دنبال پیشرفت و تعالی وجود خود است و خود را غرق در منویات خدا و خواسته و اراده او می‌کند و به سمت خوبی‌ها در حرکت است و آن را برای مدرسه خود و تمامی ذی‌نفعانش خواهان است. کمک کننده و هادی به رهروانش است. در نگرش صدرایی انسان؛ با حصول فطرت ثانی به جایگاه حقیقی خویش در نظام هستی می‌رسد و از آنجایی که فطرت ثانی اکتسابی است و در پرتو تعلیم و تربیت حاصل می‌شود باید نظام تعلیم و تربیت به گونه‌ای مدیریت شود که هدف اصلی و متعالی حاصل شود. همانطور که اشاره شد نظام فلسفی ملاصدرا حول خدامحوری است و سعادت و تکامل انسان در پرتو معرفت به خدا حاصل می‌شود بنابراین نظام تربیت صدرایی باید به گونه‌ای مدیریت شود که حیات طیبیه برای انسان حاصل شود. انسان تربیت یافته براساس این نظام، هرعمل و رفتاری که برای خود، جامعه و جهان پیرامونش انجام می‌دهد، همه را در رابطه با ذات حق تعالی می‌داند. ۷- مدیر صدرایی بیشتر از آنکه مدیر باشد یک رهبر خداگونه، مقتدر صمیمی و با محبت است که تمامی کادر علمی، اجرایی مدرسه، متعلمان، اولیاء و ذی‌نفعان، گرایش و شوق به سمت او را دارند و در چهره او آیت و نشانه‌ای از خدا می‌بینند که باعث فزونی میل به علم و عقلانیت و رسیدن به کمال انسانی در آنها می‌شود. ۸- رهبر صدرایی رویکرد پرورش عقلانیت و خرد را در مدرسه پایه‌ریزی می‌کند و به سمت و سوی آن پیش می‌رود.

۷- معلم در مکتب صدرایی

لازم به ذکر است ملاصدرا در آرای فلسفی خویش هیچ‌گاه به طور مستقیم از معلم و شاگرد و عناصر آموزشی سخن نگفته است؛ ولیکن براساس شرحی که در آرای فلسفی ملاصدرا گذشت به نظر می‌رسد؛ معلم دارای وجود تکامل‌یافته‌ای است که نسبت به متعلمانش در درجه بالاتری از علم قرار دارد و روی معرفت نفس خود و درجات رسیدن به کمال انسانی کار کرده است. علمش همراه با عمل بوده و می‌تواند راهنمایی برای متعلم باشد. این چنین معلمی به طور قطع هادی فراگیرانش خواهد بود.

به عبارتی در نظام صدرایی معلم در فرایند تعلیم و تربیت نقش اعدادی و زمینه‌سازی دارد. هدف از تربیت اولاً و بالذات رشد مربی اعدادی و ثانیاً و بالعرض رشد متربی است. مربی اعدادی زمانی به بهترین نحو وظیفه‌اش را انجام می‌دهد که خودش را در ذیل مربی حقیقی (خدا، انسان کامل و من حقیقی) بداند و هراندازه تابعیت وی از مربی حقیقی بیشتر باشد وظیفه‌اش را بهتر انجام می‌دهد و متربی را در مسیر هدایت قرار می‌دهد. براساس مبانی حکمت متعالیه مربی اعدادی عامل رشد متربی نیست بلکه زمینه‌ساز رشد وی است که بسترهای لازم برای رشد انسان را فراهم می‌کند و واقعیت این است که معلم بیشتر جنبه راهنمایی و هدایتگری دارد. یکی از اشکالات عمده این است که اگر مربی خود را به عنوان عامل حقیقی تربیتی دانسته و در متربی اعمال قدرت کند، این امر منجر به سلب اختیار از متربی و به تبع آن شرطی شدن متربی است. مربی دلسوز و دوستدار متربی کسی است که دائماً تلاش می‌کند که به متربی بفهماند باید از درونش تحول صورت گیرد و نه از بیرون و محیط. دائماً تلاش می‌کند که به متربی بفهماند هرکس انتظار تحول در غیر خودش را داشته باشد یا اینکه منتظر باشد که اول محیط تغییر کند و با تغییر محیط، او هم متحول شود، در مسیر رشد قرار نگرفته است. او می‌کوشد به متربی بفهماند که انسان جامع جمیع اسماء الهی است و منشا تحولات عالم، درون انسان است (Rastian, 2016; 260-262).

۸- متعلم در مکتب صدرایی

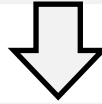
متربی ضمن تلاش برای رشد عقلانی خویش به تهذیب و تزکیه نفس می‌پردازد تا حقایق را درک کند. براساس سه مرتبه‌ی وجودی که ملاصدرا برای انسان برشمرده است لذا یادگیرنده در مکتب صدرایی در ابتدا در مرتبه‌ی انسان طبیعی قرار دارد که محسوسات و خیال در او نمود بیشتری دارد؛ با تمثیل، تشبیه، قیاس و عینیات باید به او کمک شود تا خود را به مرتبه‌ی انسان نفسانی یعنی مرتبه‌ی دوم بکشد؛ در این مرحله فراگیر با علم در هم می‌آمیزد و به دنبال آن کششی به سمت شکوفایی نفس در او ایجاد می‌شود که زمینه ادراک و عقلانیت را در انسان می‌گشاید. آن کسی که بیشتر در طلب اتحاد عالم و معلوم تلاش کند به سمت عقلانیت و یکی شدن با پروردگار پیش می‌رود و تکامل انسانی را زودتر طی می‌کند. در نتیجه یک دگرگونی در اثر این آگاه شدن در نفس پدیدار می‌شود. وقتی انسانی که به عقلانیت رسیده؛ تعقل می‌کند یعنی در واقع به خدا گونه شدن نزدیک شده است. البته ملاصدرا تأکید می‌کند که این درجاتی دارد و باید هر آن و هر لحظه انسان خود را با او، در او و برای او بداند. همینطور نقش یادگیرنده در مکتب صدرایی؛ جست‌وجوگری و تقابل صادقانه، منسجم و انسانی با مفاهیم و پدیده‌ها است و نه از روی غرض ورزی و این در وجود متعلم است که او را از محسوسات به سمت معقولات می‌کشاند.

۹- ارتباط معلم و متعلم در مکتب صدرایی

براساس آرا و فلسفه صدرایی ارتباط معلم و متعلم؛ ارتباطی دو طرفه و هماهنگ با یکدیگر است که این ارتباط باید همراه با محبت دلسوزانه‌ی مادرانه و پدرانه برای شاگرد باشد؛ رابطه‌ی سراسر عشق و محبت همراه با افزونه‌ی یادگیری، علم و دانش؛ همانگونه که عالم در اثر اتحاد با معلوم به مراتب بالای وجودی دست می‌یابد، معلم هم باید همانگونه متعلمان را هدایت کند که در مسیر حرکت آنها با خودش جدایی و ناپیوستگی رخ ندهد. بلکه اندیشه وجودی او؛ آنها را به اتحاد و یکی شدن برساند؛ چرا که هدف و مسیر معلم مکتب صدرایی، به سمت خداگونه شدن (او) شدن است و از مراتب طبیعی و نفسانی عبور کرده و به مرتبه عقلانی رسیده و لذا باید در طی درجات این مرحله کوشا و ساعی باشد تا بتواند فراگیرانش را با خودش همسو و به سمت مسیر هدایت کند. همچنین تأکید ملاصدرا بر انگیزه‌ی درونی برای متعلم است و لذا معلم مکتب صدرایی باید به خوبی آگاه باشد که دچار لغزش، تنبیه و خطا نشود تا بتواند با شخصیت فلسفی و علمی خود موتور محرک دانش‌آموز برای رسیدن به لذت علم و دانایی باشد و انگیزه درونی را در او برای رفتن در مسیر تکامل انسانی روشن کند. این انگیزه‌ها کم کم به صورت عاداتی قوی و راه‌گشا برای متعلم درمی‌آید.

نمودار ۱: جریان کدگذاری و تقلیل داده‌ها در پژوهش

مرحله‌ی کدگذاری باز: ۱۷۱ کد باز (گزاره‌ی مفهومی) (اولیه)



نمونه‌ای از گزاره‌های مقوله‌ای

اصلت وجود، توجه به تفاوت فردی، تشکیک وجود، خودارزیایی، کنکاش در علم، تفکر و تعقل در امور و پدیده‌های عالم و هستی، نظم و پیوستگی در امور، عقلانیت در امور، مسئولیت‌پذیری متری، خودشناسی، سیر انفسی، ذات‌گرایی در شناخت، توجه به انتخاب آزاد او در عین حال هدفمند و خردمندانه، عامل وجودی انسان و اتحاد عالم و معلوم؛ خدامحوری، عقلانیت، دانش بنیان، جرأت در بیان، آزادی متری، وحدت‌گرایی و همه‌جانبه‌نگری، اشتداد وجودی در نفس، بدون غرض‌ورزی، مرتبه وجودی، مرتبه انسان طبیعی، خود تعالی وجودی یافته، حرکت به عقلانیت و معرفت النفس، اتحاد علم و عمل، دستیابی به حقیقت محض، جستجوگری، تقابل صادقانه و ...

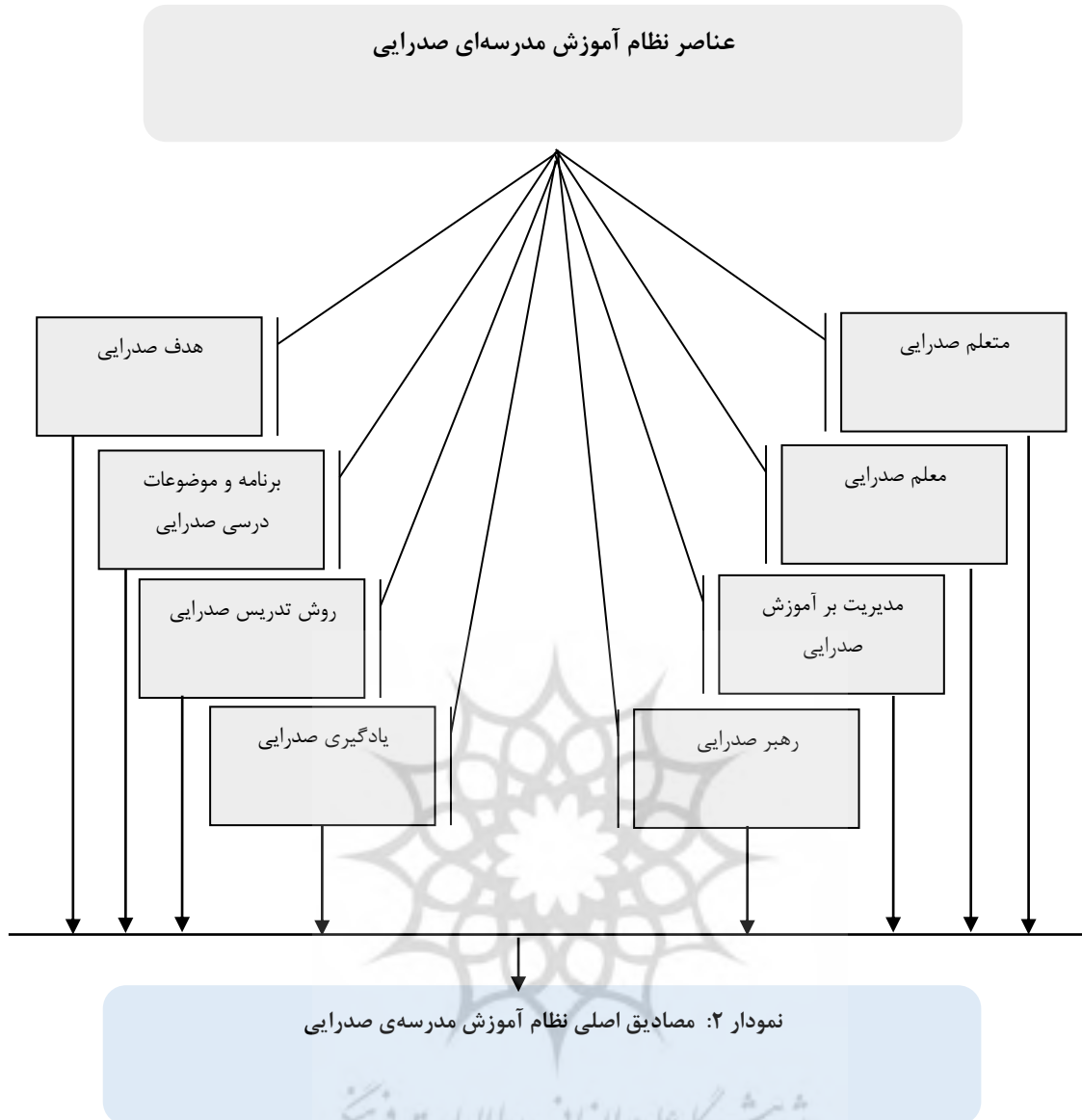
مقولات میانی؛ برنامه‌ریزی، ماموریت، راهبرد، ذات‌گرایی شناختی، اکتشاف، تیم محوری، تدوین، اجرا، ارزشیابی، رفتاری-اخلاقی، علمی-تعقلی، عاملیت، جامعیت، خودیادگیری، هدایتگری



مرحله نهایی: عناصر نظام آموزش صدرایی

هدف صدرایی، برنامه و موضوعات درسی صدرایی، روش تدریس صدرایی، یادگیری صدرایی، مدیریت آموزشی صدرایی، رهبر آموزشی صدرایی، معلم صدرایی، متعلم صدرایی،

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



بحث و نتیجه‌گیری

در فلسفه به طور عام و همینطور فلسفه تعلیم و تربیت به طور خاص؛ هدف، تقویت قوای عقلانی و استنباط فرد و اجتماع است و از جهت دیگر، پرورش نیروی فکر، ایجاد استقلال فکری؛ تقویت ابتکار و تجزیه و تحلیل را نیز رواج می‌دهد. هدف اصلی تربیت، رشد شخصیت فکری و عقلانی در افراد و جامعه است. این هدف از زمان اسلام تاکنون، به آزادی اندیشه، فکر و دعوت به حق‌جویی برای رسیدن به کمال مطلوب تاکید داشته است. به عبارت دیگر، تربیت و تعلیم افراد به سمت تفکر عقلانی و مراقبت معنوی، به ایجاد سعادت و تکامل آنها کمک می‌کند. بر این اساس مدل مدرسه‌ی صدرایی به دنبال پرورش عقل و خرد در متعلمان است تا آنها را به سمت وحدت وجودی و رسیدن به مراتب بالای وحیانی که در سند تحول بنیادین (۱۳۹۰) به حیات طیبه معروف است بکشاند. در نتیجه مدل نهایی اینگونه مشخص شد که یادگیرنده در نظام آموزش صدرایی از آن جهت که تمامی عناصر دیگر در خدمت او هستند، در رأس قرار می‌گیرد؛ چرا که به رشد و کمال انسانی در او کمک کنند؛ معلم مکتب صدرایی در قلب فعالیت‌ها و هسته‌ی اصلی تدریس و یادگیری قرار دارد که با روش‌های تدریس و آموزش صدرایی و حفظ و رعایت پیوستگی و انسجام مفاهیم و برنامه‌درسی، سعی در نشان دادن آنها در عمل دارد به گونه‌ای که متعلم را با خود همسو و به سمت

شکوفایی و انکشاف نفس بکشاند و اما مدیر در نظام آموزشی صدرایی؛ علاوه بر مدیریت بر کل آموزش و پرورش مجموعه و هماهنگی هدف، برنامه‌ریزی، سازماندهی منابع مادی و انسانی و پیوند اولیا و تعامل با مدرسه؛ نقش رهبری خدمتگزار مقتدر باصلابت را دارد که توجه و دایره‌ی ادراکش بر تمامی عناصر و عوامل از نظم و پیوستگی تا ارزیابی و دید جامع و وسیع به کل مجموعه کشیده شده است. تا بتواند هر کجا خللی پیش می‌آید با تدبیر مدبرانه به حل آن بپردازد و نظم و مداومت را پابرجا نگه دارد تا پیروان را به هدف نهایی که همانا اجتماع یادگیرندگان خردمند برای رسیدن و او شدن هست، برساند.

بنابراین از آنجا که در حکمت صدرایی، نفس انسان که جسمانیه الحدوث و روحانیه البقاء است از سنخ ملکوت بوده و در عین بساطت، جامع همه مراتب وجودی است؛ ملاصدرا درصدد تفکیک میان معقول و محسوس، عالم غیب و شهادت نیست؛ وی نفس را دارای سه مرتبه حسی و خیالی و عقلی می‌داند و جسمانیت را بخشی از وجود انسان دانسته و سرآغاز آفرینش نفس را از جسمانیت می‌داند که با سیر در مراتب به کمالات و معقولات دست می‌یابد. در نظام آموزشی صدرایی همه مراتب وجودی نفس اعم از حسی و خیالی و عقلی، مراتبی است که با اصول و شیوه‌های آموزشی و تربیتی صحیح در مسیر تکامل قرار گرفته و در صورت غفلت، سقوط و نزول نفس را در پی خواهد داشت. به تعبیر دیگر انسان این قابلیت را دارد که بواسطه علم و عمل خویش به مراتب بالای وجود عروج کند و یا اینکه بواسطه پیروی از هوی و هوس به اسفل السافلین تنزل یابد. نوع انسان از حیث فطرت هیولانی و مرتبه حسی، نوع واحدی است و از آن حیث که در علوم و ادراکات و کمالاتش از قوه به فعل خارج می‌شود، به انواع مختلفی تبدیل می‌شود و فطرت ثانی حاصل می‌شود.

به طور کلی در نظام تعلیم و تربیت صدرایی دانش آموز فعال و نقش آفرین است و با توجه به قوه خلاقیت خویش نه تنها نقوش بیرونی را می‌پذیرد بلکه در آنها دخل و تصرف می‌کند و مسئول اعمال و وظایف خویش می‌باشد. معلم با توجه به مراحل مختلف رشد دانش آموز و انطباق مواد درسی و با توجه به نظریه جسمانیه الحدوث و روحانیه البقا بودن نفس باید بداند که دانش معلومات از محسوسات آغاز می‌شود و با توجه به تهذیب نفس و آموزش به نحو شهودی، مدیر و معلم باید هر لحظه خود را در مقام یادگیری دانسته و هیچگاه خود را از آموختن بی نیاز ندانند تا بدین وسیله زمینه رشد دانش آموز و تعالی مدرسه را فراهم آورند. پژوهشگران پیشنهاد می‌کنند در مدارس مدیران اهتمام ویژه به آرای تربیتی داشته و آرای اندیشمندان مسلمان را به عنوان الگو در مدارس پیاده‌سازی کنند. مدیران به عنوان رهبران آموزشی؛ معلمان را در راستای پیشبرد اهداف صدرایی حمایت کنند و در این راه محوریت امور را بر عقلانیت، کار تیمی و همدلی قرار دهند از روش‌های مکاشفه و تفحص و ذات گرایی در شناخت و عقلانیت محوری بهره جسته و مدرسه را نیز به سمت کمالات معنوی حرکت دهند.

مشارکت نویسندگان

نویسنده اول؛ نوشتن مقدمه، پیشینه فلسفی و تحلیل استنتاجی و بخشی از نتیجه گیری را برعهده داشته است. نویسنده دوم بخشی از مقدمه، پیشینه آموزشی، تحلیل استنتاجی و تحلیل محتوایی و نتیجه گیری را بر عهده داشته است.

تشکر و قدردانی

از تمامی اصحاب علم که در این پژوهش همکاری داشتند قدردانی می‌گردد.

تعارض منافع

این پژوهش با هیچ سازمان و اداره‌ای تضاد منافع ندارد.

منابع

- ابن‌سینا، حسین‌ابن‌عبدالله (۱۳۷۵). *الاشارات و التنبیهات*، شرح خواجه طوسی و رازی، قم: نشرالبلاغه.
- احمدآبادی آرانی، نجمه؛ فرمیپنی فرهانی، محسن و احمدی هدایت، حمید (۱۳۹۶). *کاهش شکاف علم و عمل در تعلیم و تربیت با تأکید بر آرای ملاصدرا و ملا احمد نراقی در چشم انداز تمدن نوین اسلامی*؛ مجموعه مقالات سومین همایش ملی تمدن نوین اسلامی، تهران، ۳۰۱-۳۱۶.
- احمدآبادی، آرزو و اسدی، مهدی (۱۴۰۲). *نقش مدیریت آموزشی در بهبود یادگیری دانش جغرافیا*. چهارمین همایش ملی دانش آموزش محتوای جغرافیا. البرز.
- احمدآبادی، آرزو (۱۴۰۰). *پرورش پایه‌ی بر آموزش*، تهران: پادینا.
- احمدآبادی، آرزو؛ آراسته، حمیدرضا؛ نوه‌ابراهیم؛ عبدالرحیم و عباسیان، حسن (۱۴۰۰). *نقش معلمان در توسعه و پرورش ذهن دانش آموزان در کلاس درس؛ ارائه یک الگو، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی*. ۲۰(۳). ۱۸۱-۲۱۶.
- احمدآبادی، آرزو؛ آراسته، حمیدرضا؛ نوه‌ابراهیم؛ عبدالرحیم و عباسیان، حسن (۱۴۰۱). *طراحی الگوی جامع نقش‌های پرورشی معلمان دوره ابتدایی و اعتباریابی آن از دیدگاه متخصصان. فصلنامه مطالعات آموزشی و آموزشگاهی*. ۱۱(۳). ۴۳۷-۴۷۸.
- باقری، خسرو؛ سجادی، نرگس و توسلی، طیب (۱۳۸۹). *رویکردها و روش‌های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت*، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- بهرنگی (برنجی)، محمدرضا (۱۳۷۲). *نقش مدیریت آموزشی در تحول آموزش و پرورش و نظم عقلانی مدیران برای نظم اداری کشور*. آینده پژوهی مدیریت، ۴(۲). ۸۷-۹۸.
- بهرنگی، محمدرضا (۱۳۸۶). *ذات‌گرایی در یادگیری از عمل به نظر. فصلنامه پژوهش در نظام‌های آموزشی*، ۱۱(۱). ۱-۲۲.
- جرالد ال. گوتم (۱۳۸۶). *مکاتب فلسفی و آراء تربیتی*. ترجمه محمدجعفر پاک سرشت، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، تهران. سمت.
- حسن زاده آملی، حسن، تعلیق بر شرح غرالفرائد یا شرح منظومه حکمت، به اهتمام مهدی محقق. تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۹.
- حسینی خامنه‌ای، سید علی (۱۳۵۳). *طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن*. قم: انتشارات موسسه ایمان جهادی.
- خواجوی، محمد (۱۳۷۹). *ترجمه اسفار*. اربعه، مولی.
- دادگر، سید امین اله؛ امام، سید محمدرضا و پورمنوچهری، سیدعلی (۱۳۹۹). *بررسی کارکرد و نقش تربیتی و هدایتگری معلم از منظر قرآن. فصلنامه مطالعات آموزشی و آموزشگاهی*. ۹(۴). ۳۶۱-۳۳۵.
- راستیان، ابراهیم (۱۳۹۵). *درآمدی بر تربیت دینی براساس حکمت متعالیه*، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس و حجازی، الهه (۱۴۰۲). *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*، تهران. آگه.
- شیرازی، صدرالدین محمدابن‌ابراهیم (ملاصدرا) (۱۴۱۰). *الحکمه المتعالیه فی الاسفار الاربعه*، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- شیرازی، صدرالدین محمدابن‌ابراهیم (ملاصدرا) (۱۳۶۱). *العرشیه*، ترجمه غلامحسین آهنی، تهران، انتشارات مولی.
- شیرازی، صدرالدین محمدابن‌ابراهیم (ملاصدرا) (۱۳۸۵). *شرح الاصول الکافی*، تحقیق و تصحیح و مقدمه سید مهدی رجائی، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- شیرازی، صدرالدین محمدابن‌ابراهیم (ملاصدرا) (۱۳۷۵). *مجموعه رسائل فلسفی، (رساله اتحاد عاقل و معقول)*، تحقیق و تصحیح حامد ناجی اصفهانی، تهران، انتشارات حکمت.
- شیرازی، صدرالدین محمدابن‌ابراهیم (ملاصدرا) (۱۳۶۰). *رساله سه اصل*، به انضمام منتخب مثنوی و رباعیات، تهران، انتشارات مولی.
- شیرازی، صدرالدین محمدابن‌ابراهیم (ملاصدرا) (۱۳۶۳). *مفاتیح الغیب*، تعلیق ملاعلی نوری، تصحیح و مقدمه محمد خواجوی، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- شیرازی، صدرالدین محمدابن‌ابراهیم (ملاصدرا) (۱۳۸۲). *الشوهد الربوبیه*، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدرا.

طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ ه ق)، *نهایه/الحکمه*، قم، موسسه النشر الاسلامی.

عبودیت، عبدالرسول (۱۳۹۲). *درآمدی به نظام حکمت صدرایی*، تهران، انتشارات سمت، مرکز تحقیق و توسعه علوم اسلامی؛ قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

علم الهدی، جمیله (۱۳۸۸). *مبانی تربیت اسلامی و برنامه ریزی درسی براساس فلسفه ملاصدرا*، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).

علم الهدی، جمیله (۱۳۸۴). *مبانی نظری تلفیق برنامه درسی براساس حکمت متعالیه صدرالمتهلین. فصلنامه علوم/اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، ۲۲(۳). ۱۱۶-۱۳۰.

کریمیان، حیدر؛ آراسته، حمیدرضا؛ بهرنگی، محمدرضا و زین آبادی، حسن رضا (۱۳۹۷). *طراحی و تبیین چارچوب شایستگی های حرفه ای دانشجو معلمان دوره ابتدایی دانشگاه فرهنگیان. فصلنامه راهبردهای آموزش در علوم پزشکی*، ۱۱(۵). ۱۷۹-۱۹۰.

لشین؛ سینتیا بی. پولاک؛ جولین و رایگلوت؛ چارلز ام (۱۹۹۰). *راهبردها و فنون طراحی آموزشی*. ترجمه دکتر هاشم فردانش (۱۴۰۰). تهران. سمت.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۸). *مجموعه آثار*، (شرح مبسوط منظومه)، ۹ ج، تهران، انتشارات صدرا.

نارنجی ثانی، فاطمه؛ پروکریمی، جواد و میرزاده، محمود (۱۴۰۳). *شناسایی نیازهای آموزشی نومعلمان در نظام تعلیم و تربیت. فصلنامه مطالعات آموزشی و آموزشگاهی*، ۱۳(۱). ۶۹-۵۵.

وزارت آموزش و پرورش؛ شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۰). *مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران*.

Refrence

- Ibn Sina, Husayn ibn Abdallah (1996). *Al-Isharat-al-Tanbihat*, Commentary by Khaje Tusi and Razi, Qom, publisher al-Balaghah. [In Persian]
- Ahmadabadi Arani, Najmeh; Farmihanifarhani, Mohsen, and Ahmadi Hedayat, Hamid (2017). *Closing the Gap between Knowledge and Practice in Education with Emphasis on the Views of Mulla Sadra and Mulla Ahmad Naraghi in the Perspective of Modern Islamic Civilization*; Proceedings of the Third National Conference on Modern Islamic Civilization. Tehran. 316-301. [In Persian]
- Ahmadabadi, Arezoo and Asadi, Mehdi (2023). *The Role of Educational Management in Improving Geography Learning*. Fourth National Conference on Geography Education Content. Alborz. [In Persian]
- Ahmadabadi, Arezoo (2021). *Fundamental Education on Teaching*, Tehran: Padina. [In Persian]
- Ahmadabadi, Arezoo; Arasteh, Hamid Reza; Nohe-Ibrahim, Abdul Rahim, and Abbassian, Hassan (2021). The Role of Teachers in Developing and Cultivating Students' Minds in the Classroom; Presenting a Model, *Journal of Educational Innovations*. 20(3). 216-181. [In Persian]. <https://doi.org/10.22034/JEI.2021.253652.1671>
- Ahmadabadi, Arezoo; Arasteh, Hamid Reza; Nohe-Ibrahim, Abdul Rahim, and Abbassian, Hassan (2022). Designing a Comprehensive Model of Educational Roles of Elementary School Teachers and Validating it from the Perspective of Experts. *Journal of Educational Studies and Schools*. 11(3). 437-478. [In Persian]. <https://doi.org/20.1001.1.2423494.1401.11.3.15.1>
- Alam-Hoda, Jamileh (2009). *Foundations of Islamic Education and Curriculum Planning based on the Philosophy of Mulla Sadra*, Tehran, Imam Sadegh University. [In Persian]
- Alam-Hoda, Jamileh (2005). Theoretical Basis of Curriculum Integration based on the Transcendent Philosophy of Sadra al-Mutalehin. *Social and Human Sciences Journal of Shiraz University*, 22(3), 116-130. [In Persian]
- Beheshti, Saeed (2011). Explorations in the Philosophy of Islamic Education. *The Scientific-Research Quarterly of New Religious Thoughts*, 7(26). 143-164. [In Persian]
- Beheshti, Saeed; Nouzari, Mahmoud, and Yousefi, Sajjad (2018). Designing a Cognitive Teaching Model Based on Sadra's Wisdom. *Journal of Islam and Educational Research*, 10(2), 43-54. [In Persian]
- Baqeri, Khusrow; Sajjadi, Nargess, and Tousli, Tayebbeh (2010). *Approaches and Research*

- Methods in Philosophy of Education*, Tehran: Cultural and Social Studies Research Institute. [In Persian]
- Behrangi (Berengi), Mohammad Reza (1993). The Role of Educational Management in the Transformation of Education and Training and the Rational Order of Managers for the Administrative Order of the Country. *Future Management Studies*, 4(2). 87-98. [In Persian]
- Behrangi, Mohammad Reza (2007). Essentialism in Learning from Theory to Practice. *Journal of Research in Educational Systems*, 1(1). 22-1. [In Persian]
- Dadgar, Seyed Amin Allah; Imam, Seyed Mohammad Reza, and Pormanochehri, Seyed Ali (2020). Investigating the Function and Educational Role of Teacher as a Guide from the Perspective of the Quran. *Journal of Educational Studies and Schools*. 9(4). 335-361. [In Persian]. <https://doi.org/20.1001.1.2423494.1399.9.4.15.9>
- Gutek, Gerald L. (2007). Philosophical Schools and Educational Views: *Translated by Mohammad Jafar Paksarsht*, Tehran, Organization for Study and Compilation of Humanities Books of Universities (SAMT).
- Hassanzadeh Amli, Hassan(1990). *Commentary on the Explanation of Ghorar al-Fara'id or Explanation of the Wisdom System*, edited by Mehdi Moheqqi, Tehran, University of Tehran Publications. [In Persian]
- Hosseini Khamenei, Seyed Ali (1974). *The General Framework of Islamic Thought in the Quran*. Qom: Publications of the Institute of Faith Jihad. [In Persian]
- Khajavi, Mohammad (2000). *Translation of Four Books*, Mulla Sadra. [In Persian]
- Karimian, Heidar; Arasteh, Hamidreza; Bahrengi, Mohammadreza, & Zainabadi, Hassanreza (2018). Designing and Explaining the Competency Framework of Elementary School Student Teachers at Farhangian University. *Educational Strategies in Medical Sciences Journal*, 11(5), 179-190. [In Persian]
- Rastiyan, Ebrahim, (2016), *An Introduction to Religious Education Based on Transcendental Wisdom*, Tehran, Imam Sadiq University Publications. [In Persian]
- Sarmad, Zahra; Bazargan, Abbas, and Hejazi, Elaheh (2023). *Research Methods in Behavioral Sciences*, Tehran: Agah. [In Persian]
- Shirazi, Sadr al-Din Muhammad ibn Ibrahim (Mulla Sadra)(1989), *Al-Hikmah al-Muta'aliyah fi al-Asfar al-Arba'ah*, Beirut, Dar Ahya al-Turath al-Arabi. [In Persian]
- Shirazi, Sadr al-Din Muhammad ibn Ibrahim (Mulla Sadra)(1982), *Al-Arshiyyah*, translated by Gholamhossein Ahani, Tehran, Mowla Publications. [In Persian]
- Shirazi, Sadr al-Din Muhammad ibn Ibrahim (Mulla Sadra)(2006), *Commentary on al-Asfar al-Kafi*, edited and introduced by Seyyed Mahdi Rajaei, Tehran, Sadra Islamic Wisdom Foundation. [In Persian]
- Shirazi, Sadr al-Din Muhammad ibn Ibrahim (Mulla Sadra)(1996), *Collection of Philosophical Treatises (Treatise on the Union of the Rational and the Reasonable)*, edited and corrected by Hamed Najafi Isfahani, Tehran, Hekmat Publications. [In Persian]
- Shirazi, Sadr al-Din Muhammad ibn Ibrahim (Mulla Sadra)(1981), *Treatise on Three Principles, including selected couplets and quatrains*, Tehran, Mowla Publications. [In Persian]
- Shirazi, Sadr al-Din Muhammad ibn Ibrahim (Mulla Sadra)(1984), *Mafatih al-Ghayb, with commentary by Mulla Ali Nuri*, edited and introduced by Mohammad Khajavi, Tehran, Institute for Cultural Studies and Research. [In Persian]
- Shirazi, Sadr al-Din Muhammad ibn Ibrahim (Mulla Sadra)(2003), *Al-Shawahid al-Rububiyah*, Tehran, Sadra Islamic Wisdom Foundation. [In Persian]
- Tabatabai, Seyyed Mohammad Hossein(1998), *The Ultimate Wisdom*, Qom, Islamic Publishing Institute. [In Persian]
- Leshin, Cynthia B.; Pollock, Julian & Reigeluth, Charles M. (1990). *Strategies and Techniques of Instructional Design*. Translated by Dr. Hashem Fardanesh (2021). 18th Edition, Tehran: SAMT. [In Persian]
- Marhaba, Somayeh; Vakili, Najmeh, and Eimani, Mohsen (2019). Clarification of the Islamic-

- Iranian Model of Education with Emphasis on Mulla Sadra's Educational Views. *Journal of Ethical Studies*, 9(4), 225-242. [In Persian]
- Motahari, Morteza, Collection of Works(1999), (Detailed Explanation of the Manteq al-Mutahhar, Tehran, Sadra Publications. [In Persian]
- Ministry of Education; Supreme Council of the Cultural Revolution (2011). *Theoretical Foundations of Fundamental Transformation in the General Education System of the Islamic Republic of Iran*. [In Persian]
- Naranji-Sani, Fatemeh; Porkarimi, Javad & Mirzadeh, Mahmoud (2024). Identifying the Educational Needs of New Teachers in the Educational System. *Journal of Educational Studies and Schools*, 13(1), 55-69. [In Persian]. <https://doi.org/10.48310/PMA.2024.3520>
- Oboudiyat, Abdul Rasoul (2013), *An Introduction to the System of Sadraian Wisdom*, Tehran, SAMT Publications, Center for Research and Development of Islamic Sciences; Qom: Imam Khomeini Education and Research Institute. [In Persian]

